



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده‌ی علوم و فنون قرآن تهران

نقد و بررسی دیدگاه مفسران و مستشرقان

در باره «أُمی» بودن پیامبر (ص)

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی علوم قرآن

نگارنده:

قدرت اله فیروزتبار

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر زهره اخوان مقدم

استاد مشاور:

آقای دکتر محمد رضا شاهرودی

تیرماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه‌ی حقوق این اثر متعلق به

دانشکده‌ی علوم و فنون قرآن تهران می‌باشد

تقدیم

به: پیشگاه خاتم النبیین رسول اکرم(ص) که وجودش موجب نزول وحی الهی شد.

به: پیشگاه اهل بیت معصوم(ع) که میراث دار تعالیم قرآن و پیامبر اکرم(ص) هستند.

به: همه ی پیروان مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می دانم بنا به مصداق حدیث شریف نبوی: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» مراتب تشکر و قدردانی خود را از همه ی اساتید و بزرگوارانی که این جانب را در طرح تحقیق این پایان نامه یاری رسانده اند ابراز نمایم. به ویژه از استاد محترم سرکار خانم دکتر زهره اخوان مقدم که این تحقیق تحت نظارت و راهنمایی ایشان انجام شد، و با وجود مشغله ی کاری، همواره با سعه ی صدر، وقت خویش را به بررسی درباره ی آن اختصاص دادند، و در نهایت صبر و حوصله، ما را در انجام این طرح یاری رساندند. هم چنین از جناب آقای دکتر محمد رضا شاهرودی که با متانت بخش های این تحقیق را بررسی و از نظرات و تذکرات ایشان بهره مند شدیم، و از پدر و مادر فدا کار، متدین و پر تلاشم که به حق از آسایششان گذشتند ولی از علم آموزیم نگذشتند نهایت تشکر را داشته باشم.

چکیده

یکی از مباحث مهم درباره ی پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) مسأله «أمی» بودن و عدم توانایی ایشان بر خواندن و نوشتن می باشد. واژه «أمی» به عنوان یکی از صفات پیامبر(ص) به معنای شخصی ناخوانا و نانویسا می باشد. در این تحقیق سعی بر این شده تا معنای واژه «أمی» با استناد به کتب لغت عرب و نیز با استفاده از کتب تفسیر دو فرقه شیعه و اهل سنت تعیین گردد و به آراء و نظریات مطرح شده از سوی متفکران و نیز دیدگاه مستشرقان، در خصوص معنای «أمی» و مسأله ناتوانی پیامبر(ص) بر خواندن و نوشتن پرداخته و به شبهات مستشرقان نظیر «أمی» به معنای پیامبر بت پرست، فرد توانا بر خواندن و نوشتن، منتسب به یهود پاسخ لازم داده شود. آن چه در فرجام این تحقیق خواهید دید آن است که «أمی» به معنای شخص ناخوانا و نانویسا می باشد.

درباره ی مسأله خواندن و نوشتن پیامبر(ص) باید گفت که ایشان، پیش از بعثت، بر خواندن و نوشتن توانا نبوده و هیچ چیزی نخوانده و ننوشته است. این مسأله، وحیانی بودن و اعجاز قرآن و نیز راستین بودن دعوت ایشان را ثابت می کند و نشان می دهد که پیامبر(ص) هیچ حرفی از خود در این کتاب الهی وارد ننموده، بلکه تمام آیات و کلمات قرآن، از سوی خداوند تعالی فرو فرستاده شده است؛ ولی در دوران پس از بعثت نیز پیامبر(ص) بر خواندن و نوشتن توانا نشده، بلکه دستور به امر خواندن و نوشتن می داده است و این می تواند معجزه ای دیگر را برای ایشان ثابت کند که این نیز نشان از حقانیت دعوت و نبوت ایشان دارد.

کلید واژه ها:

أم، أمی، أمیین، أمیون، ناخوانا، نانویسا، مستشرقان.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
	فصل اول: کلیات
۴	۱-۱- گزاره های تحقیق
۷	۲-۱- تعریف شرق شناسی
۷	۱-۲-۱- در لغت
۹	۲-۲-۱- در اصطلاح
۱۱	۳-۲-۱- تاریخچه پیدایش استشراق
۱۲	۴-۲-۱- مراحل پدید آمدن استشراق
۱۵	۵-۲-۱- اهداف و انگیزه استشراق
۱۹	۶-۲-۱- تاریخچه قرآن پژوهی و بررسی اعجاز قرآن توسط خاورشناسان
۲۱	۳-۱- معنانشناسی لفظ «أم» و مشتقات آن
۲۱	۱-۳-۱- «الأم» به ضمّ همزه
۲۴	۲-۳-۱- «الأم» به فتح همزه
۲۵	۳-۳-۱- «الأمّه» به ضمّ همزه
۲۷	۴-۳-۱- «الامه» با کسر همزه
۲۸	۵-۳-۱- «أُمّی»
۲۸	۱-۵-۳-۱- «أُمّی» منسوب به «أم»
۲۹	۲-۵-۱- «أُمّی» منسوب به امت
۳۱	نتیجه گیری
	فصل دوم: کاربرد «أُمّی» در تفاسیر
۳۵	۱-۲- «أُمّی» بودن پیامبر (ص) در تفاسیر
۳۵	۱-۱-۲- (وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنَّهُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ) (بقره/ ۷۸)
۳۶	۱-۱-۱-۲- تفاسیر شیعه
۳۶	۱-۱-۱-۲- «أمیون» به معنای گروهی از یهود
۳۹	۲-۱-۱-۲- «أُمّی» منسوب به «أم»
۴۰	۳-۱-۱-۲- «أمیون» بر گرفته از «أمه» به معنای خلقت
۴۰	۲-۱-۱-۲- تفاسیر اهل سنت
۴۰	۱-۲-۱-۱-۲- مراد از «أمیون» گروهی از یهود
۴۲	۲-۲-۱-۱-۲- «أمیون» به معنای همه یهود
۴۳	۳-۲-۱-۱-۲- «أُمّی» منسوب به «أمه»
۴۳	۴-۲-۱-۱-۲- أخذ شدن «أُمّی» از «أم» یا «أمه»
۴۴	۵-۲-۱-۱-۲- «أُمّی» به معنای نانویسل

۲-۱-۲- (فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ^ع

فَإِنْ أَسْلَمُوا ...) (آل عمران / ۲۰)..... ۴۵

۲-۱-۲- تفاسیر شیعه..... ۴۵

۲-۱-۲-۱- مراد از «أمیین» مشرکان عرب..... ۴۵

۲-۱-۲-۱- مراد از «أمیین» همه مشرکان..... ۴۵

۲-۲-۱-۲- تفاسیر اهل سنت..... ۴۷

۲-۲-۱-۲- مقصود از «أمیین» مشرکان عرب..... ۴۷

۲-۲-۱-۲- مقصود از «أمیین» عموم مشرکان..... ۴۸

۲-۱-۳- (... ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ

الْمَرِيْعَلْمُونَ) (آل عمران / ۷۵)..... ۴۹

۲-۱-۳- تفاسیر شیعه..... ۴۹

۲-۱-۳-۱- حلال شمردن خوردن اموال عرب را به علت عدم پیروی از آیین شان..... ۴۹

۲-۱-۳-۱- اعراب بدون کتاب آسمانی..... ۵۰

۲-۱-۳-۱- دیدگاه اسلام نسبت به اداء امانت..... ۵۱

۲-۳-۱-۲- تفاسیر اهل سنت..... ۵۲

۲-۳-۱-۲- حلال دانستن خوردن اموال عرب به خاطر عدم پیروی از آیین آن ها..... ۵۲

۲-۳-۱-۲- «أمی» منسوب به «أم»..... ۵۳

۲-۳-۱-۲- اعراب بدون کتاب آسمانی..... ۵۴

۲-۱-۴- (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي

التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...) (اعراف / ۱۵۷)..... ۵۴

۲-۱-۴- تفاسیر شیعه..... ۵۴

۲-۱-۴-۱- «أمی» به معنای ناخوانا و نانویسا..... ۵۵

۲-۱-۴-۱- «أمی» منسوب به امت..... ۵۷

۲-۴-۱-۲- تفاسیر اهل سنت..... ۵۷

۲-۴-۱-۲- «أمی» به مفهوم ناخوانا و نانویسا..... ۵۷

۲-۴-۱-۲- «أمی» منسوب به امت عرب..... ۵۸

۲-۱-۵- (... فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ ۚ وَاتَّبَعُوهُ

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (اعراف / ۱۵۸)..... ۶۰

۲-۱-۵- تفاسیر شیعه..... ۶۰

۲-۵-۱-۲- تفاسیر اهل سنت..... ۶۰

۲-۱-۶- (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ ۚ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ) (جمعه / ۲)..... ۶۱

- ۶۱-۱-۶-۱-۲ تفاسیر شیعه.....
- ۶۱-۱-۶-۱-۲ «أمیین» منسوب به اُمت عرب.....
- ۶۴-۱-۶-۱-۲ «أمیین» به مفهوم اعراب فاقد کتاب آسمانی.....
- ۶۴-۱-۶-۱-۲ «أمیین» منسوب به «أم القرى».....
- ۶۵-۱-۶-۱-۲ تفاسیر اهل سنت.....
- ۶۵-۱-۶-۱-۲ مراد از «أمیین» قوم عرب.....
- ۶۵-۱-۶-۱-۲ «أمی» به معنای ناخوانا و نانویسا.....
- ۶۶-۱-۶-۱-۲ اُمت عرب بدون کتاب آسمانی.....
- ۷-۱-۲- (وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِآرْتَابِ الْمُبْطِلُونَ)
- ۶۸- (عنکبوت/۴۸).....
- ۶۸-۱-۷-۱-۲ تفاسیر شیعه.....
- ۷۱-۱-۷-۱-۲ تفاسیر اهل سنت.....
- ۷۵-۱-۸-۱-۲ (وَقَالُوا أَسْطِطِرُّونَ الْوَلِيِّينَ أَمْ كُنْتُمْ عَلَيْهِمْ بُكْرَةً وَأَصِيلاً) (فرقان/۵).....
- ۷۵-۱-۸-۱-۲ تفاسیر شیعه.....
- ۷۷-۱-۸-۱-۲ تفاسیر اهل سنت.....
- ۸۲- نتیجه گیری.....

فصل سوم: دیدگاه ها و شبهات مستشرقان

- ۸۴-۱-۳ دیدگاه خاورشناسان در ارتباط با «أمی» بودن پیامبر(ص).....
- ۸۴-۱-۱-۳ «أمی» به معنای ناخوانا و نانویسا.....
- ۹۱-۱-۳ «أمی» به مفهوم بت پرست.....
- ۹۹-۱-۳ اعتقاد خاورشناسان بر مسأله آگاهی پیامبر(ص) از خواندن و نوشتن.....
- ۱۰۲-۱-۳ «أمی» منتسب به غیر یهود.....
- ۱۰۴-۱-۳ «أمی» منسوب به امت.....
- ۱۰۷-۲-۳ شبهاتی پیرامون و حیانی بودن قرآن.....
- ۱۰۸-۱-۲-۳-۱-۲-۳ مصاد داخلی.....
- ۱۰۸-۱-۱-۲-۳-۱-۲-۳ اعمال و رفتارهای اعراب جاهلی.....
- ۱۱۲-۲-۱-۲-۳ اشعار «امیه بن ابی الصلت».....
- ۱۱۶-۳-۱-۲-۳ اشعار امری القیس.....
- ۱۱۷-۴-۱-۲-۳ بشری بودن الفاظ قرآن کریم.....
- ۱۲۳-۲-۲-۳ مصاد خارجی.....
- ۱۲۳-۱-۲-۲-۳ ادعای نقش «ورقه بن نوفل» در تالیف قرآن.....
- ۱-۱-۲-۲-۳ معرفی «ورقه بن نوفل» و میزان ارتباط پیامبر(ص) با ایشان بر اساس اسناد تاریخی.....
- ۱۲۳-۲-۱-۲-۲-۳ دیدگاه های خاورشناسان در ارتباط با ادعای «ورقه بن نوفل».....
- ۱۲۷-۳-۱-۲-۲-۳ گزارش طبری و ابن هشام در باره ی داستان «ورقه بن نوفل».....
- ۱۲۹-۲-۲-۲-۳ آشنایی با بحیاء راهب مسیحی.....

۱۳۲ ۳-۲-۲-۱- آرای خاورشناسان

۱۳۴ ۳-۲-۳- تاثیر پذیری پیامبر(ص) از تورات و انجیل

۱۳۴ ۳-۲-۱- دیدگاه خاورشناسان

۱۳۸ **نتیجه گیری**

۱۳۹ **نتیجه گیری نهایی**

۱۴۱ **کتابنامه**

۱۵۰ **چکیده انگلیسی**

۱۵۱ **چکیده عربی**

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على النبي الأُمي محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على أعدائهم اجمعين.

ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است که رحمه للعالمين و صاحب روز جزاست. درود و سلام بر سید و سرور ما حضرت محمد (ص) که خداوند سبحان، ایشان را بهترین برگزیدگان خویش قرار داد و ایشان را به صورت یک فرد درس ناخوانده به سوی خلق برگزید.

از صدر اسلام تا به امروز مسلمانان در این مسأله تاریخی، که آیا رسول اکرم (ص) توانایی خواندن و نوشتن داشته یا نه؟ اظهاراتی را بیان داشته اند. این که پیامبر (ص) قبل از بعثت نمی خواند و نمی نوشت تقریباً اختلاف نیست، اما درباره بعد از بعثت، اختلافاتی در رابطه با خواندن و نوشتن پیامبر (ص) وجود دارد. در این زمینه اقوال صاحب نظران را به چند دسته می توان تقسیم کرد:

الف) رسول خدا بعد از بعثت هم می خواند و هم می نوشت.

ب) می خواند اما نمی نوشت.

د) قبل از بعثت و بعد از آن نمی خواند و نمی نوشت و توانایی بر آن را هم نیز نداشت.

در میان این اقوال، آخرین قول صحیح به نظر می رسد؛ زیرا نوشتن و نخواندن برای پیامبر خاتم (ص) کمال است. پیامبر (ص) با آن که نمی خواند و نمی نوشت قرآنی آورد که تمامی متفکران و عالمان، مطالعه کنندگان، نویسندگان جهان متحیر شدند و سر تعظیم در مقابل آن فرود آوردند و تصدیق کردند کتابی را که حضرت محمد (ص) آورده از ناحیه بشر نیست بلکه آسمانی است و از جانب پروردگار نازل شده است. این چیزی جز امر نبوت و اعجاز الهی نیست. یعنی آوردن قرآن که بزرگترین و مهم ترین کتاب عالم هستی به شمار می آید به دست یک انسان درس ناخوانده جز اعجاز چیز دیگری نیست.

لازم به ذکر است تمام انبیاء الهی معجزه داشته اند و از طریق آن، هم صدق نبوت خویش را و هم وحیانی بودن آموزه ها و تعالیم خویش را که همان برنامه هدایتی است را به اثبات رسانده اند. در میان انبیاء الهی، آخرین پیام آور، حضرت محمد (ص) معجزات گوناگونی داشته از جمله این معجزات، قرآن می باشد. رسول اکرم (ص) در دوران پیش از بعثت بر خواندن و نوشتن توانایی نداشته و نزد هیچ استادی به جهت فراگیری دانش تلمذ نکرده است، این مسأله باعث شده تا قرآن

کریم معجزه ای فراخور تمام معجزه ها باشد. ولی از زمان بعثت ایشان تاکنون برخی کوشیده اند تا با ایجاد شبهه و تردید در مسأله خواندن و نوشتن پیامبر(ص) به استفاده از کتب پیشینیان، متهم سازند تا در وحیانی بودن قرآن و راستین بودن نبوت ایشان شک و تردید ایجاد نمایند، بیشتر خاورشناسان این شبهات را مطرح می کنند.

پایان نامه پیش رو در سه فصل تنظیم شده است:

در فصل اول به معنا شناسی لفظ «أم» و مشتقات آن اشاره شده است.

در فصل دوم سعی شده تا نظرات مفسران شیعه و اهل سنت ذیل آیاتی که در ارتباط با این موضوع می باشد را آورده و در پایان هر آیه به تحلیل و بررسی آن ها پرداخته شده است.

فصل سوم شاکله اصلی این پایان نامه را تشکیل می دهد و در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول ابتدا سخنان آن دسته از خاورشناسانی که «أمی» را ناخوانا و نانویسا معنا کرده اند بعد دیدگاه کسانی که با روش غیر علمی کلمه «أمی» را بت پرست، خوانا و نویسا و غیر یهود، معنا کرده اند. در بخش دوم این فصل آرای کسانی که قرآن را بشری و غیر وحیانی دانسته مطرح کرده و به بررسی آن پرداخته ایم.

فصل اول: کلیات

۱-۱- گزاره های تحقیق

۱-۲- تعریف شرق شناسی

۱-۳- معناشناسی لفظ «آم» و

مشتقات آن

۱ ۱ - گزاره های تحقیق: ۱ ۱ ۱ بیان مسئله:

یکی از مسایل مرتبط به نبوت پیامبر اسلام (ص) «أمی» بودن و میزان آشنایی ایشان با خواندن و نوشتن است؛ در قرآن مجید دو بار پیامبر اکرم (ص) به صفت «أمی» متصف شده و یک بار جمع آن «أمیون» درباره قوم یهود آمده و سه بار به صورت «أمیین» در خصوص اعراب و بت پرستان به کار رفته است. اگر چه علمای لغت و تفسیر می گویند «أمی» کسی است که خواندن و نوشتن نمی داند، اما این مسئله از چند جهت مورد اختلاف است:

اول این که واژه مزبور منسوب به «أم» است؟ یا «أمت»؟ و در صورت دوم امت به معنای خلقت است؟ یا جماعت؟

دوم این که شخص «أمی» خواندن و نوشتن نمی داند؟ و یا معنی مطلب را درک نکرده و فقط حفظ می نماید؟ و یا غافل و جاهل است؟

سوم این که در هر صورت، این صفت درباره پیامبر چه معنایی دارد؟ آیا مراد این است که خواندن و نوشتن می دانستند در حالی که از کسی نیاموختند؟ و یا این که اصلاً نمی دانستند؟ و یا این که قبل از رسالت نمی دانستند ولی پس از آن هم خوانده و هم نوشته اند؟

با توجه به این که موضوع «أمی» بودن پیامبر (ص) ارتباط مستقیم با مسئله «اعجاز قرآن» دارد بسیار پر چالش بوده و علاوه بر مفسران و عالمان مسلمان، مستشرقان نیز در این وادی به طور جدی

وارد شده و ادعاهای متفاوتی نموده اند. به عنوان نمونه «نولدکه» معتقد است که وصف «أمی» دلالت بر جهل در خواندن و نوشتن نمی کند، بلکه فقط نشان می دهد که پیامبر(ص) کتب عهد عتیق را نمی شناخته است. «اسپرنگر» می گوید: پیامبر(ص) خواندن و نوشتن می دانست و حتی کتاب هایی به نام «اساطیرالاولین» و «صحف ابراهیم» را خوانده بود. حتی برخی از مستشرقان جرأت یافتند که بگویند پیامبر تظاهر به خواندن و نوشتن می کرد تا قرآن را معجزه بنمایاند.

هدف فرضی این تحقیق، رسیدن به این مطلب است که پیامبر(ص) - پیش از بعثت - بر خواندن و نوشتن توانا نبوده و در هیچ موردی نخوانده و ننوشته است، در حالی که - پس از بعثت - بر خواندن و نوشتن توانا شده و در مواردی نادر، فعل «خواندن» از ایشان سرزده است؛ از این رو، توانایی پیامبر(ص) بر خواندن و نوشتن - پس از بعثت - به قدرت و عنایت الهی، معجزه دیگری در اثبات نبوت ایشان و صدق وحیانی بودن آیات و تعالیم قرآنی می باشد. امید است پژوهش حاضر، با نقد و بررسی آراء مفسران و مستشرقان، مسائل مبهم فوق را روشن نماید.

۱-۱-۲- پیشینه ی تحقیق:

با توجه به مطالعات و تحقیقات صورت گرفته، کتابی که به صورت مستقل به این موضوع پردازد یافت نشده است، اما مفسران در زمینه «أمی» بودن پیامبر(ص) به صورت پراکنده در ذیل هشت آیه که شش آیه در آن لفظ «أمی» آمده عبارتند از: (بقره / ۷۸)، (آل عمران / ۷۵ و ۲۰)، (اعراف / ۱۵۷ و ۱۵۸) و (جمعه / ۲) و دو آیه (عنکبوت / ۴۸) و (فرقان / ۵) به تفسیر این واژه پرداخته اند؛ اگر چه در دو آیه فوق، لفظ «أمی» نیامده ولی با موضوع ما ارتباط جدی دارد. همچنین در کتب علوم قرآنی مانند تاریخ قرآن دکتر رامیار و دکتر حجتی و دیگر کتاب های تاریخ قرآن، موضوع «أمی» بودن پیامبر(ص) به صورت مختصر، در حد چند صفحه اشاره شده است. در کتاب هایی از قبیل: «الدفاع عن القرآن ضد منتقدیه» عبدالرحمن بدوی و «در آستانه قرآن» رژی بلاشر و «تاریخ قرآن» عبدالصبور شاهین به بررسی برخی از دیدگاه های مستشرقان در این زمینه پرداخته شده است. لازم به ذکر است استاد شهید مطهری به تألیف کتابی در موضوع «أمی» بودن پیامبر(ص) پرداخته است.

۱-۱-۲- مسائل و پرسش های تحقیق:

۱) استقراء تامّ در ادله مستشرقان و مفسران، ما را به چه نتایجی پیرامون مسئله «أمی» بودن پیامبر(ص) می رساند؟

۲) تبیین وجوه اعجاز قرآن در حوزه «أمی» بودن پیامبر(ص) بر اساس مستندات درون دینی (یعنی کلامی و نقلی) و مستندات برون دینی (یعنی تاریخی) به چه صورت امکان پذیر است؟

۱-۱-۴- فرضیه ها:

۱) با کنکاش در ادله مستشرقان و مفسران به این نتیجه نزدیک می شویم که «أمی» بودن به مفهوم «بی سوادی» یا «عدم درک صحیح» یا «عدم علم به کتب مقدس» نیست.

۲) با تنقیح و تثبیت مبحث «أمی» بودن پیامبر(ص)، مهم ترین هدف اعجاز قرآن یعنی «من عندالله بودن» روشن می شود.

۱-۱-۵- ضرورت های تحقیق:

در عصر حاضر به سبب پیشرفت چشمگیر دین مبین اسلام، مخالفان و اکثر مستشرقان در پی دلائلی هستند تا مبانی اعتقادی مسلمانان را سست نمایند و از آن جا که قرآن کریم، خود بهترین تبلیغ اسلام است، هدف تیرهای ایشان قرار گرفته است. لذا بر آن شدند، با شبهه های واهی، به حریم قرآن تجاوز نموده و به خیال خود اعجاز قرآن را زیر سوال ببرند. دفاع از حریم قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) از ضرورت های اولیه در حوزه پژوهش های قرآنی است.

۱-۲- تعریف شرق شناسی

۱-۲-۱- در لغت

«شرق شناسی» یا «خاورشناسی» که در عربی از آن به «استشراق» یاد می شود، معادل واژه ی انگلیسی «ORIENTALISM» است.

اجزای ترکیب «شرق شناسی» از دیرباز در بیش تر زبان ها وجود داشته است، اما هیچ یک از لغات و فرهنگ ها، تا پیش از ۱۷۷۹م^۱ یا ۱۷۸۰م^۲ که این واژه در زبان انگلیسی پدید آمد، با آن آشنایی نداشتند.

سیر تحول واژه مذکور، نشانگر این است که ظاهراً واژه ی «ORIENTALIST» ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می شده و سپس «ORIENTALISM» در سال ۱۸۱۲م در فرهنگ آکسفورد به معنای «شرق شناسی» به کار رفته^۳ و در سال ۱۸۳۸م در فرهنگ آکادمی فرانسه وارد شده است.^۴

کلمه «استشراق» از ریشه شرق به معنای خاور است.

بر اساس تعریف ارائه شده در المنجد، مستشرق کسی است که آگاه از لغات زبان ها و آداب و رسوم و علوم شرقی باشد و اسم مشتق آن، «استشراق» است.^۵

واژه ی «ORIENTALIS O» مرکب از دو جز است «ORIENTAL» و «ISM» فرهنگ آکسفورد این دو جز را چنین معنا کرده است:

ORIENTAL=EASTERN(ORIENT)

COUNTRIES OF THE(FAR) EAST-CE.GAPAN,CHINA)

^۱ - رضوان، عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، ریاض، دارالطیبه، الطبعة الاولى ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۲۳.

^۲ - سعید، ادوارد، شرق شناسی؛ ترجمه عبد الرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۷۶.

^۳ - صادقی، تقی، رویکرد خاورشناسان به قرآن، ویراستاران مهدی جابر مرادی و دیگران، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۷۹، ص ۱۸.

^۴ - رضوان، عمر بن ابراهیم، پیشین، ج ۱، ص ۲۳.

^۵ - بندر ریگی، محمد، المنجد فی اللغة، بی جا، انتشارات ایران، چاپ اول ۱۳۷۴ش، ص ۳۸۴.

ISM_ANY distinctive ,system or philosophy¹

یعنی «شرق»، عبارت است از شرق دور مانند ژاپن، چین. «ISM» به هر سیستم یا فلسفه مشخص می‌گویند. فرهنگ آکسفورد کلمه «orientalism» را این گونه معنا کرده است:

Orientalism –studies the language,arts,etc of oriental countries.²

یعنی «خاورشناسی، مطالعه زبان هنر و دیگر امور کشورهای شرقی است». بنابراین، شرق شناسی به مفهوم مجموعه‌ای از آگاهی‌ها درباره شرق است.

در این تعریف، شرق دارای معنای جغرافیایی است. در اصطلاح جغرافیایی، خاور، عمدتاً شامل کشورهای آسیایی می‌شود، اگرچه در فرهنگ آمریکایی، به احتمال بسیار، تنها به خاور دور یعنی چین و ژاپن شرق اطلاق می‌گردد.³

سه مفهوم رایج از شرق وجود دارد: نخستین مفهوم آن، که معادل واژه‌ی انگلیسی EAST می‌باشد عبارت است از: جهت جغرافیایی هر نقطه‌ای که روی به جانب دمیدن خورشید دارد. دومین مفهوم «شرق» که آن نیز معنایی جغرافیایی دارد، معادل کلمه انگلیسی «ORIENT» می‌باشد که عبارت است از: سمت مشرق کره زمین یعنی آسیا با اقسام سه‌گانه‌اش: دور، نزدیک، میانه. اما مفهوم مشرق در اصطلاح خاورشناسی، معنایی فراجغرافیایی داشته و ترکیبی از دومین مفهوم جغرافیایی و مفهوم فکری- عقیدتی است.⁴

بنابراین، این اصطلاح بر اساس دیدگاه اروپایی، میان دین‌ها و آداب و رسوم جهان شرق فرقی نمی‌نهد.

¹ - یوهان، فوک، فرهنگ آکسفورد، صص ۸۱۷ و ۸۱۸.

² - همان، ص ۶۳۳.

³ - سعید، ادوارد، پیشین، ص ۱۴.

⁴ - صادقی، تقی، پیشین، ص ۱۹.

۱-۲-۲- در اصطلاح

ابراهیم رضوان خاورشناسی را چنین تعریف می کند:

خاورشناسی عبارت است از: مطالعه غربی ها درباره باورها، تاریخ، آداب و دیگر امور شرق.^۱

شهید محراب، سید محمد باقر حکیم (رحمه الله) درباره تعریف اصطلاحی خاورشناسی می

نویسد:

حرکت استشراق یعنی حرکتی دارای جلوه فرهنگی و علمی که گروهی از غربی ها آن را رهبری کرده و وقت خود را در تحقیق و بررسی برای امور فرهنگی و سیاسی شرق صرف کرده اند؛ به گونه ای که در حیات فرهنگی شرق تأثیر مهمی داشت.^۲

تمایز میان شرق و غرب در این تعاریف روشن است. نگارنده، تنها مطالعاتی را که از ناحیه غربیان درباره شرق انجام گرفته است، خاورشناسی می نامد.

ادوارد سعید درباره تعریف خاورشناسی این طور می نویسد:

اگر اواخر قرن هجدهم را به عنوان نقطه شروع بگیریم که از آن به بعد شرق شناسی تا حدودی کم و بیش تعریف شده است، می توان شرق شناسی را به عنوان یک نهاد ثبت شده و دارای تشخیصی که با شرق سر و کار دارد مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داد که به معنای اظهار نظر کردن درباره موضوع آن، رسمیت بخشیدن به نظرات گوناگون در مورد آن، شرح و توصیف آن، و سرانجام تعلیم دادن، تنظیم و داوری کردن درباره آن است. شرق شناسی عبات از نوعی سبک غربی در رابطه ایجاد سلطه، تجدید ساختار، داشتن آمریت و اقتدار بر شرق است.^۳

دستاورد ها از تعریف فوق عبارتند از:

۱ - تشخیص تاریخی خاورشناسی که از اواخر قرن هجدهم به وجود آمد.

^۱ - رضوان، عمر بن ابراهیم، پیشین، ج ۱، ص ۱۹.

^۲ - حکیم، محمد باقر، المستشرقون و شباتهم حول القرآن الکریم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعه الاولی ۱۹۸۵م، ص ۱۱.

^۳ - سعید، ادوارد، پیشین، ص ۱۶.

۲ - خاورشناسی، موضوعی صرفاً تخیلی یا علمی نیست؛ بلکه ترکیبی از هر دو است.

۳ - خاورشناسی در این قالب، نهادی علمی - اجرایی را تشکیل داده است.

همچنین ادوارد سعید برای ثابت کردن این ادعا که خاورشناسی رشته ای علمی همانند سایر رشته ها نیست، بلکه تفاوت خاصی با آن ها دارد، می نویسد:

پسوند اسم « ISM » در آخر « ORIENTALISM » برای تأکید بر تمایز این رشته از دیگر رشته ها است.^۱

تقی صادقی، بعد از توضیح مفصل درباره تعریف خاورشناسی، می نویسد: با ملاحظه و توضیح تعریف خاورشناسی، به این نتیجه می رسیم که خاورشناسی مکتبی است غربی که در سده هجده میلادی شکل گرفته و مبتنی بر اندیشه سیادت و تفوق غرب بر شرق بوده و عهده دار مطالعه شرق به همان مفهوم غربی آن است. در این مطالعه، به مشاهدات مستقیم از شرق تکیه می گردد.

در بعد اجرایی هم این مکتب، عهده دار تربیت و اداره جوامع شرقی بوده و شرق را به عنوان موضوع مشخص قابل تعلیم و آموزش به دیگران تلقی کرده و در مواقع لزوم به آموزش موضوع شرق می پردازد.^۲

در این تعریف ها و برداشت های صاحب نظران، برتری و آمریت و سیادت غرب بر شرق خیلی روشن و واضح به نظر می رسد. استاد فرزانه، دکتر زمانی، خاورشناسی را دو نوع دانسته و برای هر کدام تعریف خاص ارائه کرده است:

۱ - استشراق عام: مجموعه فعالیت های پژوهشی غربیان درباره ابعاد مختلف کشورهای شرقی.

۲ - استشراق خاص و مصطلح حوزه های علمیه و جوامع فرهنگ دینی: اسلام شناسی توسط غیر مسلمانان.^۳

^۱ - همان، ص ۹۷.

^۲ - صادقی، تقی، پیشین، ص ۲۸.

^۳ - زمانی، محمد حسن، میزگرد بررسی جدیدترین آراء مستشرقان پیرامون قرآن، اندیشه صادق، ش ۱۵، تابستان ۱۳۸۳، صص ۶۱ و ۶۲.